

واکاوی رابطه طرح قرآنی قومیت مرد در خانه با آرامش خانواده با رویکرد روان‌شناسی مثبت^۱

مریم رستگار^۲

محمد صدقی آلانق^۳

علی پیرهادی (نویسنده مسئول)^۴

یعقوب عباسی^۵

چکیده

نظر به جایگاه بیش در تحقق عینی سبک زندگی، اهمیت تصحیح ذهنیت‌های عرفی و شبهه‌دار جهت تثبیت سبک زندگی مطلوب، امری بدیهی است. در این راستا نوشتار پیش رو پژوهش کاربردی به روش گردآوری کتابخانه‌ای از متون اسلامی، تأکیدی بر دیدگاه‌های اندیشمندان مطرح و در بعد تجربی مؤید به دیدگاه صاحب‌نظران روان‌شناسی مثبت است که با استقرای اطلاعات و توصیف و تحلیل محتوای کیفی (مضمونی) به تبیین آیه «قومیت» با داده‌های قرآنی، روایی و تجربی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت، به واکاوی کیفی آن در خانه در راستای آرامش خانواده می‌پردازد. بنابراین مسئله اصلی تحقیق، چگونگی قومیت مرد در خانواده و رابطه آن با آرامش خانواده است که پس از تبیین مفاهیم، به‌ویژه «قومیت»، با مؤلفه‌هایی چون روابط بر اساس «مودت، عدالت، حسن خلق، تکریم، صداقت، رفع نیازهای مادی و معنوی و...» توسط مرد، از قرآن و احادیث، مؤید به یافته‌های روان‌شناسی به دست می‌آید و نتیجه آن، مدیریت «وظیفه‌مدار، مسئولیت‌پذیر، تکلیف‌گرا و خدمت‌گزار» مرد است؛ تدبیری حکیمانه در سبک زندگی اسلامی با هدف کسب آرامش در بستر خانواده که با نهادهای سازی آن، راه درمان ناهنجاری رفتاری احتمالی در این شرایط نیز بازگشت به این بینش و ذهنیت خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: قومیت، مدیریت منزل، خانواده، آرامش، سبک زندگی، روان‌شناسی مثبت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۵ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

۲. دانش‌آموخته مدرسه علمیه معصومیه قم و دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم؛ rastgar147@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)؛ sadghi@atu.ac.ir

۴. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار معارف اسلامی مدرس دانشگاه فرهنگیان؛ pirhadi23@gmail.com

۵. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و مدرس معارف اسلامی دانشگاه جیرفت؛ Abasi.yaghob@chmail.ir

مقدمه

نظر به جایگاه بینش و نگرش در اجرای سبک زندگی، ضرورت تصحیح ذهنیت‌های عرفی و شبهه‌دار در تثبیت سبک زندگی مطلوب، به‌ویژه جهت پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری و روانی احتمالی، امری بدیهی است و نوع تعامل اعضا در خانواده نکته‌ای کلیدی در این امر است. اسلام به‌عنوان دین جامع، «آرامش» را در تشکیل خانواده، به‌عنوان اولین بستر اجتماعی، مقرر فرموده (روم: ۲۱) و در اولین تدبیر اجتماعی، مدیریت کلان خانواده را تحت عنوان «قومیت» به مرد سپرده است (نساء: ۳۴)؛ اما این امر در نگاه اول، چالش‌زا، منافی آرامش و تناقض‌نماست؛ به‌ویژه که موهم شبهه تفکر فمینیستی، مبنی بر عدم تساوی حقوق زن و مرد و شبهه اجحاف اسلام به جنس زن است. بدین جهت کاوش در ابعاد مختلف آن، به‌ویژه تبیین کیفیت این ساختار به‌عنوان اولین قدم، امری ضروری است. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی قومیت مرد در خانواده و رابطه آن با آرامش و سکونت مطرح در قرآن، در پرتو نظام خانواده در اسلام است و پاسخ به این مسئله که آیا قومیت مرد بر زن، قومیتی مطلق و بی‌قید و شرط و همراه با شائبه تحقیر زن است یا این مدیریت، همراه با شروط و مؤلفه‌های خاص است؟ و این مؤلفه‌ها چیست؟ بعد از کشف مؤلفه‌ها از قرآن و روایات معتبر، می‌توان به تحلیل قومیت و اهداف آن از دیدگاه اسلام، بر اساس متون اسلامی و روان‌شناسی مثبت، به‌عنوان آخرین رویکرد مطرح در علم روان‌شناسی پرداخت. در این نوشتار از آثار صاحب‌نظران مطرح و شاخص علم روان‌شناسی مثبت، مستند به یافته‌های تجربی و آماری استفاده شده است؛ چراکه امروزه بررسی و تحلیل علمی - تجربی آموزه‌های دینی، جهت نیل به فهم مشترک، به‌دلیل اقبال بیشتر، مؤثرتر و کارسازتر خواهد بود و با توجه به جای خالی آن در مباحث معرفتی، برنامه‌های آموزشی و تربیتی، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. بنابراین در پاسخ به مسئله اصلی و مسائل فرعی این مقوله، ابتدا باید به توصیف و تبیین دیدگاه تفسیری پیرامون آیه سی و چهارم سوره نساء پرداخت و سپس با استخراج مؤلفه‌های قومیت در آیات و روایات و یافته‌های تجربی روان‌شناسی مثبت، آن را تحلیل کرد.

در پیشینه موضوع، به این مسئله از ابعاد حقوقی و تفسیری توجه گسترده‌ای شده است و در بعد اجتماعی، پیرامون آرامش و خانواده، همچنین مدیریت و قومیت، نوشته‌های متعددی مشاهده می‌شود؛ اما از منظر سبک زندگی خانوادگی در اسلام و تبیین و تطبیق روان‌شناختی مدیریت خانواده با هدف آرامش و اعتلای خانواده، آثار قابل توجهی دیده نمی‌شود و مسئله‌ای مغفول است که مباحث آن، کم و بیش در آثار اندیشمندان و نویسندگان این حوزه پراکنده است. از جمله در کتاب‌های حقوق زن در اسلام (مرتضی مطهری)، هیجان و رضامندی زناشویی (جدیری، ۱۳۹۳)، زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی (سالاری‌فر، ۱۳۹۶)، هویت و نقش‌های جنسیتی (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸)؛ و در مقالات «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار» (ذوالفقارپور و



همکاران، ۱۳۸۳)، «مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده» (امانی، ۱۳۹۴)، «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن»، (زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲)، «نقش‌های جنسیتی» (علاسوند، ۱۳۸۸)؛ و در آثار غربی، «خانواده و خانواده‌درمانی» (مینوچین، ۱۳۸۳)، به جنبه‌هایی از بحث، ذیل دیگر مباحث اشاره کرده‌اند. بنابراین این پژوهش، متکفل بررسی تفصیلی آن به طور خاص در رابطه با آرامش است. به نظر می‌رسد قوامیت، تکلیفی تعریف شده بر مرد به منظور تأمین آرامش و تعالی زن و خانواده، و نافی آزادی و عمل بی‌قید مرد و مدیریت بر اساس هوا و هوس است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. قوامیت

واژه «قوام»، صیغه مبالغه است که در معانی مختلف آمده است: «بسیار قیام‌کننده»؛ «محافظة»، «اصلاح» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۹۷)، عامل ثبات، بقا، پایداری و استحکام دیگری (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۰) «متکفل امری شدن»، «بر عهده گرفتن مؤونه زندگی» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۵۹۴)، «تدبیر امور» (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰۲؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۱۲)، «حفاظت»، «نگهداری»، «سروری»، «اشراف» و «ولایت» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۴۲؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۹۳).

کاربرد این کلمه همراه با حرف «علی»، به معنای سرپرستی، حفاظت و مراقبت است و در محدوده روابط همسران، بخشی از وظایف مدیریتی مرد است. «قیم زن» همسر اوست؛ چون امور و مایحتاج او را بر عهده دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۰۳). در اصطلاح، «قوام» به معنای «اداره معاش» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۱۵) و «تسلط مرد بر زن در تدبیر، تأدیب، ریاضت و تعلیم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۸) است. «قیوم» کسی است که در رسیدگی به امور دیگران، به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری اقدام می‌کند و بر تدبیر امور زن و رفع نیازهایش اشراف دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۹).

در بیانی مختصر، دو برداشت عمده از «قوامون»، در تعریف لغت‌شناسان مشاهده می‌شود:

۱. سلطه‌گری و ریاست، در قالب مفاهیم سلطه، حکومت، ولایت، ریاست و استحقاق طاعت. برخی لغت‌شناسان، کاربرد این معنا را در عبارت «قوامون علی النساء» درست نمی‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۰۳).

۲. مسئولیت‌پذیری، حمایت و رسیدگی، در قالب مفاهیم کفالت، حمایت، کارگزاری، نگهداری و رسیدگی. با تأمل در قرآن و روایات، مفهوم دوم به چند جهت، مناسب‌تر و سازگارتر به نظر می‌رسد:

– در ادامه آیه قرآنی و پس از اعلام شأن قوامی مرد بر زن، آن را به پرداخت نفقه زن تعلیل کرده که این بیان با معنای دسته دوم سازگارتر است.

– در روایت نبوی به معنای اخیر آمده است (سایس، ۱۴۲۳، ص ۲۸۲).

دقت در کاربرد واژه «قوام» در صیغه مبالغه مانند «قوام»، گویای اهمیت موضوع قوامیت شوهر بر همسر است؛ زیرا روش قرآن کریم در بیان موضوعات حساس و مهم، استفاده از صیغه مبالغه در بیان عبارات است؛ مانند حفظ قسط و اجرای عدل در محاکم دینی (نساء: ۱۳۵؛ مائده: ۸). بر همین مبنا، برخی از فقها، کمال عقل را شرط قاضی، و در مسائل خانوادگی قدرت هوش و تفکر را لازمه «قوامیت» دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، صص ۵۵۲-۵۵۱).

نکته قابل توجه، تعریف قوامیت به سنخی از خدمت و وظیفه، علاوه بر سازگاری با منابع دینی، از پذیرش بیشتر مفسرین برخوردار است؛ قوامیت مرد از جنس مسئولیت اجرایی؛ مدیریت خادمانه و تقسیم کار در خانه به جهت توانمندی مرد در کارهای سخت و نیز تأمین نفقه و هزینه زندگی خانواده است؛ به تعبیری روح قوامیت، وظیفه‌مند بودن مرد در برابر خانواده است بیان این وظیفه در قالب صیغه مبالغه، بیانگر اهمیت و حساسیت وظیفه مرد در سرپرستی زن است (همان، ج ۱۸، ص ۵۴۵). نکته قابل توجه این که اغلب تفاسیر، در مقام توجیه چرایی قوامیت مرد در مدیریت منزل هستند و به چگونگی و بایسته‌های این مدیریت توجه چندانی نداشته‌اند؛ درحالی که بررسی علمی و دقیق آیات و روایات در این زمینه، چه بسا افق دیگری را در همزیستی مسالمت‌آمیز و درک و تحمل متقابل زن و مرد خواهد گشود.

۱-۲. آرامش و سکونت

واژه عربی «سکینه»، صفت مشبیه، مترادف فارسی «آرامش»، از ماده «سکون» به معنای «وقار»، «از بین رفتن ترس»، «توقف و ایستادن پس از حرکت»، مخالف اضطراب و حرکت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۱۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۶۳)؛ «استقرار»، «ثبات» و «اطمینان»، اعم از استقرار مادی، روحی و باطنی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۶۳). در اصطلاح نیز سکینه عبارت است از: «ملکه‌ای که موجب آرامش و اطمینان قلب مؤمن، و منتسب به کسی است که از تمایل به شهوات بازایستد و آرام گیرد» (همان)؛ «نوری در قلب انسان که در مواجهه با امور غیبی، به انسان ثبات و آرامش می‌بخشد» (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۵۲)؛ «حالت نفسانی همراه با آسودگی و ثبات» (مرکز فرهنگ و معارف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۳). قرآن کریم، چند امر را عامل سکینه و آرامش معرفی فرموده است؛ از جمله:

۱. یاد خدا: ﴿إِذَا بَدَأَ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

۲. امداد غیبی: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾.



۳. آثار و اشیای مقدس: ﴿أَنْ يَأْتِيَكُمْ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾.

۴. تشویق اولیای الهی: ﴿إِنَّ صَلَوَاتِكَ سَكَنٌ لَّهُمْ﴾.

۵. سرپناه و خانه: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا﴾.

۶. همسر: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا﴾.

۷. شب: ﴿أَنَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا﴾ (قرآنی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۶۵۲)

آرامش با ماهیت روحی روانی، انواع و عوامل متعددی دارد؛ عوامل اعتقادی، روانی و طبیعی که از جمله آن، طبیعت آرامبخش «همسر» است (مرکز فرهنگ و معارف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۳). البته قرآن کریم راهکارهایی نیز بیان فرموده تا زن و مرد در راستای طبیعت و با رشد عقلانیت و برقراری تعادل در مناسبات زناشویی و هماهنگی درونی، به همزیستی و تفاهم و در نتیجه به کمال آرامش برسند؛ به ویژه که سعادت خانواده و اجتماع، در گرو احساس امنیت و آرامش آن است.

۱-۳. خانواده

خانواده، بر اساس بینش‌ها و باورها، تعاریف و حدود مختلفی دارد؛ گاه چنان گسترده است که برخی مشکل اساسی مطالعات خانواده را فقدان تعریف مورد وفاق می‌دانند؛ در بینش إلحادی، به جهت نوع نگاه تجویزی به هم‌جنس‌گرایی و تشکیل زندگی بدون عقد نکاح، حدود و تعاریف خانواده، بسیار گسترده و در عین حال سردرگم است. تئودور گرینشتین، نویسنده غربی، در نقد تعریف بیان شده از سوی اداره سرشماری آمریکا، مشکل اساسی مطالعات خانواده، را فقدان تعریف مورد قبول همگان می‌داند:

«مشکل اساسی در مطالعه خانواده این است که درباره خانواده، تعریفی که کاملاً مورد قبول همگان باشد، در اختیار نداریم...؛ اداره سرشماری آمریکا، خانواده را یک گروه دونفره یا بیشتر از مردم خانوار تعریف می‌کند که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و ارتباط آنها به واسطه تولد، ازدواج یا فرزندخواندگی شکل می‌گیرد. با وجود این، این تعریف رضایت‌بخش نیست؛ زیرا بسیاری از گروه‌هایی که منطقاً به آنها خانواده گفته می‌شود، در نظر گرفته نشده است؛ آیا مردان و زنانی که هم‌خانه می‌شوند، خانواده محسوب می‌شوند؟ در مورد زوج‌های هم‌جنس‌باز چطور؟ آیا والدین و کودکانی که به فرزندخواندگی قبول کرده‌اند را مجموعاً باید خانواده به حساب آورد؟ در مورد جوامعی که در آنها، نگهداری کودکان به اشخاصی غیر از اقوام آنها هم سپرده می‌شود، چه باید کرد؟ بر اساس تعریف اداره کل سرشماری آمریکا، بعضی از گروه‌ها به‌عنوان خانواده محسوب می‌شوند، هرچند بسیاری از ناظران ممکن است با این جمع‌بندی موافق نباشند...» (گرینشتین، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

وی، دو تعریف دیگر از خانواده ارائه کرده است: «زوج‌های ازدواج‌کرده صاحب فرزند»،

«زوج‌های (ازدواج‌کرده یا ازدواج‌نکرده) دارای فرزند». (همان)



اما در باور اسلامی و مبانی نظری برخاسته از منبع و حیانی، تعریف خانواده، روشن و برخوردار از حدود مشخص، با پیش فرض اساسی ازدواج در مفهوم طبیعی آن و مستلزم مفهوم ازدواج و قیدهای مندرج در آن، مانند مشروعیت و پیوند مذکر و مؤنث، و به دور از هر نوع سردرگمی و ابهام است^۱ که به نمونه‌هایی از این تعاریف اشاره می‌شود:

- «واحد اجتماعی نشئت گرفته از ازدواج يك زن و يك مرد است که فرزندان پدیدآمده، آن را تکمیل می‌کنند» (قائمی، ۱۳۶۷، ص ۲۰).

- «از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی که بر اساس ازدواج دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی و واقعی یا اسنادیافته به چشم می‌خورد» (ساروخانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

در نگاه مشهور و متبادر الهی، خانواده عبارت است از: «گروهی از افراد که از طریق سببی، عقد و ازدواج، یا نسبی و خونی، زاد و ولد و مکان زندگی مشترک، با یکدیگر وابستگی دارند». نهادی که با تولد بشر، با او همراه است؛ شروع و تأسیس آن با پیوند زناشویی، و تکمیل آن با تولید نسل است. بنابراین خانواده، اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که در اصطلاح علمی، نوعی از آن تحت عنوان «خانواده هسته‌ای»، به طور طبیعی حداقل از زن و مرد و سپس فرزندان تشکیل می‌شود؛ البته گاه با عواملی مثل مرگ و طلاق، دستخوش تغییر می‌گردد. نوع دیگر آن با عنوان «خانواده گسترده»؛ بستگان درجه بعد، مثل عمو، عمه، دایی، خاله و... را نیز شامل می‌شود (حداد عادل، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۸۳۱). در نتیجه خانواده هسته‌ای، قدر متیقن معنای خانواده است؛ اما با توجه به کاربرد قرآنی واژگانی نظیر «آل» (نساء: ۵۴) و «اهل» (احزاب: ۳۳) به عنوان معادل خانواده، به نظر می‌رسد اهتمام قرآن و روایات، به خانواده گسترده است. بنابراین مصادیق خانواده در نگاه اسلامی را می‌توان فراتر از همسر و فرزند، شامل پدر، مادر، خواهر و برادر، و نوه هم دانست؛ به خصوص که تعبیر دینی مثل اولوالارحام، ذوی القربی، عشیره و تأکید قرآن بر حقوق والدین، صله ارحام و مسائل فقهی از قبیل مراتب ارث و... دلالت بر آن دارند (پیرهادی، ۱۳۹۹، صص ۴۲-۳۹).

۱-۴. روان‌شناسی مثبت

علم روان‌شناسی با دو رویکرد عمده نگاه معمول درمان‌گرایانه به اختلالات (اضطراب، افسردگی...) و نگاه مثبت‌نگر با تمرکز بر داشته‌ها و نقاط قوت جهت نیل به زندگی رضایت‌مند است که سابقه آن در آثار مازلو^۲ مشهود است. عنوان روان‌شناسی مثبت به اواخر سده بیست با ریاست سلیگمن در انجمن روان‌شناسی آمریکا برمی‌گردد (Peterson, 2006, P44-55). مارتین سلیگمن و چیک‌سنت

۱. رک: پیرهادی، ۱۳۹۹.

2. Abraham Maslow



میهای با نوشتن مقاله‌ای مشترک با عنوان: "معرفی روانشناسی مثبت‌گرا در سال ۲۰۰۰" به توضیح این علم، تفاوت آن با رویکرد پیشین علم روان‌شناسی و چشم‌انداز پیش روی این علم پرداخت، مهم‌ترین سرفصل‌های روانشناسی مثبت، «رضامندی»،^۲ شادکامی و بهزیستی روانی (SWB)^۳ است تا با نگاه پیشگیرانه و آگاهی و استفاده بهینه از فرصت‌ها و با تکیه بر جنبه‌های مثبت و نقاط قوت، به زندگی رضایت‌بخش خانوادگی دست یافت.

۲. اصول و مؤلفه‌های آرامش برآمده از قوامیت مرد

۲-۱. تأمین نیازها

الف) نیازهای مادی زوجین

بر اساس استدلال قرآن به قوامیت مرد و توانایی او در تأمین و مدیریت مالی «...بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»، فقها بر وظیفه شرعی مرد در اداره مالی و اقتصادی خانواده تحت عنوان نفقه به شکل شایسته، مناسب و از راه حلال متفق‌اند؛ البته تا جایی که خانواده احساس بی‌نیازی کند (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۴)؛ حتی اگر مرد ناگزیر به اشتغال در رده‌های پایین جامعه باشد که تلاش او در انجام این وظیفه، هم‌وزن جهاد در راه خداست (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵). کوتاهی و خست مرد در انجام این وظیفه، در خانواده، مشکل‌ساز خواهد بود و گشاده‌دستی از ویژگی‌های مرد خوب است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۴). به همین جهت، نهایت کمال مرد، تأمین و تقدیر معاش زندگی است (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۵۰) و کوتاهی وی در تقدیر معیشت به معنای محرومیتش از حقیقت ایمان است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۹۵). تمامی این توصیه‌ها به‌منظور فراهم‌سازی آرامش و آسایش (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱) و به‌زیستی افراد خانواده است. قرآن کریم با توجه به آثار منفی بخل و خست، آن را از اساس مذموم خوانده است (آل‌عمران: ۱۸۰) و طبق روایات، سخاوتمند، به خدا و بهشت و مردم نزدیک است و بخیل، از خداوند و بهشت و مردم دور است و از آرامش و آسایش محروم است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱). «مرد بخیل، یعنی دارد و می‌تواند زن و بچه‌اش را در رفاه بگذارد، اما نمی‌گذارد! اولین معصیت او این است که دیگر نزد بچه‌هایش آبرو و محبوبیتی ندارد و گاه به جایی می‌رسد که زن و بچه برای او آرزوی مرگ می‌کنند» (مظاهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۹). به همین دلیل در فقه اسلامی، در صورت تعلل مرد در تأمین نفقه،

1. Positive Psychology: An Introduction (2000)
2. Satisfaction
3. Subjective Well-being



راه‌هایی برای گرفتن نفقه از وی در نظر گرفته شده است. البته سخاوت مرد به معنای رعایت نکردن تناسب میان دخل و خرج، از بین بردن امکانات با گشاده‌دستی، تأمین نیازهای غیرواقعی خانواده بدون ملاحظه دخل و خرج، و سوءمدیریتی نیست که به تهی‌دستی و درماندگی در تأمین نیازهای ضروری خانه منجر شود؛ بلکه حفظ و مدیریت صحیح اموال، حُسن تدبیر است. از این‌رو لازم است مرد با هماهنگی خانواده، طبقه‌بندی نیازها به واقعی و غیرواقعی و ضروری و غیرضروری، و ایجاد تناسب بین دخل و خرج، و به‌کارگیری امکانات، جایگاه خود را در خانواده ارتقا دهد و خانواده را از تباهی حفظ کند؛ که «سوءتدبیر علت ویرانی است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱).

ب) نیازهای عاطفی

از اهداف کلیدی زناشویی، تأمین نیازهای متقابل مادی- معنوی، روحی، عاطفی و جنسی است که در گرو درک متقابل زن و شوهر و توجه به تفاوت‌های جنسیتی و نیازهای برآمده از آن است؛ به‌ویژه نیازهای عاطفی زوجین؛ چراکه «زن همان مقدار وابسته به مرد است که مرد وابسته به زن» (جعفری، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ص ۲۶۰). این تمایل در زن بیشتر است و او همواره در پی تسخیر قلب مرد و جلب حمایت اوست (ستیر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷؛ مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). اظهار محبت مرد نیز نشانه عشق و علاقه، مایه دلگرمی زن (گری، ۱۳۸۹، ص ۲۷۶-۲۶۹؛ ماهرزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲) و به‌یادماندنی است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹). مهم راه جلب محبت و افزایش آن است. از جمله مداخلات روان‌شناختی اسلام در تأمین هرچه بهتر این نیاز، الگوی «قومیت» است که به حکمت‌ها و نتایج کاربردی آن برمی‌گردد؛ فرصتی برای مرد در نمایش و اثبات قدرت، و برای زن تا با ظرافت‌های زنانه، مرد را پناه و ملجأ مقتدر خود بخواند؛ دو حالت متضاد و حمایتی خواستنی برخاسته از تفاوت جنسیتی! زوجین دارای طبیعت، اولویت‌ها، علاقه‌ها، استعدادها (رودز، ۱۳۹۲، ص ۲۱) و اقتضانات مشترک و متفاوت‌اند. روابط زناشویی صحیح، متعادل‌کننده این دو نیروست: و «قومیت» با محوریت «توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و نیازهای برآمده از آن»، تدبیر حکیمانه، هدایت انسان به راهکاری در فراهم‌سازی و تقویت روابط زناشویی صحیح است؛ تعادل بین دو نیروی زنانه و مردانه است؛ نیروی جاذب مرکز با میل به کناره‌گیری، خودمحوری و فردگرایی مرد در برابر نیروی زن با نیروی گریز از مرکز به بیرون با میل به ارتباط با دیگران با طبیعت، متجمل و زیبادوست (گری، ۱۳۸۹، ص ۷۰). برای تعدیل این دو لازم است خانواده در چارچوب و طرحی، ضمن برائت از مسئولیت‌گریزی و ظلم و تعدی، به کارآمدی و تعامل صحیح و تعهد متقابل برسد. اسلام با تکریم جایگاه و شخصیت زن و استقلال اقتصادی، او را مورد عنایت قرار داد تا با حس مؤثر بودن و آزادی عمل و فکر، به آرامش و رضایت خاطر برسد. در این طرح، علاوه بر معافیت زن از الزام به فعالیت در اجتماع، جهت تأمین معاش و ایمن‌سازی او از آسیب‌ها و تراحم‌ها و فشارهای اجتماعی، بستری



جهت رفع نیازها و دغدغه‌هایش فراهم ساخت تا با آرامش و سلامت روانی، به ایفای نقش سنگین و پیچیده خود در خانواده و رفع صحیح نیازمندی‌های خانواده و ارضای حس عاطفی مادرانه بپردازد که تنها در سایه آرامش زن، ترکیب و اتحاد طرفین، شدنی است؛ که در گرو توجه به روحیات و خصیصه روحی زوجین، نیازها و دغدغه‌های آن دو است:

یک. اقتدارطلبی

اقتدار و برتری‌طلبی، گرایش قوی فطری نوع انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۹)، اما پژوهش‌های روان‌شناختی و دینی، مؤید تفاوت‌های زوجین در این روحیه، و فزونی آن در مردان و آثار سوء عدم ارضا این میل در تعاملات با اطرافیان است (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸-۱۷۴؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰). مردان قدرت را برای خود، اما زنان آن را برای خود و همسرشان می‌طلبند. به همین جهت، مرد همواره تمایل دارد همسرش او را رهبری خردمند، مورد احترام، تکیه‌گاه و پناهگاه بدانند... این حس حتی در سلیقه او نمایان است (رودز، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳ و ۱۰۲؛ والش، ۱۳۹۱، ص ۱۹۷؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱). تدبیر خلقت زن را به‌گونه‌ای آفرید که در طلب ملجأ، و خواهان اتکا به تکیه‌گاه مورد اعتماد و مقتدر است (دویس و پیرون، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰). به‌طور طبیعی قدرت مرد اصلی‌ترین عامل جذابیت اوست و شجاعت، جدیت، توانمندی در حمایت و محافظت از خانواده، گرم در روابط میان‌فردی... و اقتدار و رفتار مردانه وی، مایه آرامش زن است (جعفری، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ص ۲۶۲؛ مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵؛ رودز، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳ و ۱۰۲).

در روایات، افزون بر مطلوبیت اقتدار مرد در خانواده، پذیرش قلبی زن نیز ضروری است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰)؛ مطلبی روان‌شناختی که شاید به ارتباط معنا‌دار سلطه‌جویی مردان و تعارضات زناشویی برگردد. به نظر صاحب‌نظران، زنان، مردان زن‌صفت و مردان، زنان مردصفت بیش از حد مستقل و تدافعی مسلط را نمی‌پسندند. مردان خواهان زنی آرام و ظریف‌اند و افراط در حس استقلال و خودرأیی زن، آثار سوء تربیتی بر فرزندان و الگوگیری آنان در بزرگسالی و کاهش علاقه همسر به او را به همراه دارد (گری، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۸۶). گاه خشونت مردان در خانواده بر اثر بی‌اقتداری مرد است و هشدار به طرف مقابل درباره وجود اشکال در او یا رابطه او و لزوم رفع آن است! مرد به جهت ناکامی و احساس عجز (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۴۱۳)، در حرکتی قدرتی برای به دست گرفتن کنترل، بُرد و انتقام، خشونت را پیش می‌کشد تا لحظاتی احساس قدرت کند. راه پیشگیری از این خشونت، پذیرش سرپرستی مرد توسط زن است (گری و میبل، ۱۳۸۷، صص ۳۱-۸؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۶، صص ۱۸۳، ۲۵۵، ۱۴۵، ۱۶۳) تا موجب آرامش و تعامل بهتر با همسر و در نتیجه مانع بروز اختلافات و مشاجرات گردد. رابطه مثبت زناشویی برآمده از تسلط بیشتر مرد، به جهت تطابق آن با ساختار وجودی اوست (Buris & Zecevic, 1967, p.325). زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲،

ص ۶۲) به همین جهت، اسلام با مذمت روحیه سلطه‌گری و رفتار چالش‌برانگیز زن در تحمیل خواسته‌ها (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۶؛ ج ۴، ص ۱۶ و ۴) او را به تعامل صحیح با مرد راهنمایی می‌کند؛ تعاملی که با آن بتوان به زندگی سراسر آرامش رسید. در طرح قوامیت، زوجین در تعامل، بهایی ننوشته می‌پردازند و هم‌زمان با تأمین متقابل نیازها، سود بزرگی کسب می‌کنند؛ زن با قبول و تمکین در برابر همسر جهت حفظ و تقویت اقتدار مرد او را مجذوب و سرسپرده خود می‌کند و بدین طریق نیاز عاطفی همسرش در اقتدارطلبی را ارضا می‌کند و مرد با حمایت مالی و امنیتی، زن را به ظرفیتی مثبت در نیل به زندگی آرام، سراسر محبت و آرامش مبدل می‌سازد. اولین ثمره این تدبیر روان‌شناسانه، تقویت حمایت‌گری و قدرت، شجاعت و عزم به‌عنوان خصوصیات مرد ایدئال، و زمینه‌سازی روابط گرم میان‌فردی، بر پایه اعتماد، حس‌قدردانی و تعهد است، به‌ویژه در شرایطی که «ناآرامی مرد نوین» تحلیلی از جایگاه زیرسؤال رفته مرد معاصر در خانواده است (سگالن، ۱۳۸۵، ص ۲۸۷).

دو. تجمل‌خواهی و زیبایی‌دوستی

از ویژگی‌های مهم روان‌شناختی زوجین، تجمل‌گرایی و زیبایی‌دوستی است؛ با این تفاوت که مرد به زیبایی زن، و زن به زیبایی و جوانی خود حساس است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵؛ رودز، ۱۳۹۲، ص ۹۶-۷۷). زن در رفتارها و انتخاب‌ها متوجه اموری است که از زیبایی، تجمل و ظرافت بهره‌مندند؛ این میل جزء زندگی و احتیاجات اصلی اوست که میل به تنوع می‌آفریند. تمایل زن به آرایش و زیبایی برای این است که زندگی خانوادگی را با جاذبه‌های هنری، طراوت بخشد (ماهرزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷)؛ اما حفظ و بقای جمال و نشاط زن، مستلزم ثروت، آسایش و آرامش بیشتر، تلاش کمتر، فرصت کافی و فراغ خاطر بیشتر است. «قوامون» طرحی ایدئال در راستای تأمین این نیاز ذاتی اوست. اسلام علاوه بر اعطای حق استقلال اقتصادی به زن و قطع دست مرد از اموال وی، مرد را مسئول تأمین آسایش، فراغت خاطر و مخارج زن قرار داد؛ هرچند زن درآمدی سرشار و مرد درآمد کمی برخوردار باشد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶). بدین ترتیب زن از تلاش‌های اجباری شکننده معاش و تأمین مایحتاج، معاف شده است. تجربه نیز نشان می‌دهد که زنان شاغل، متحمل فشارهای روانی، نظیر انتظارات شغلی در کنار انتظارات خانوادگی، و تعارض و ابهام در نقش‌ها هستند و نسبت به زنان خانه‌دار فرصت و انرژی کمتری برای امور منزل دارند (ذوالفقارپور و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۹). امام علی علیه السلام نیز با توجه به این نکته، مردان را به معاف کردن زنان از امور سخت توصیه کرده و این معاف شدن را مناسب حال و جمال زن دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰).

ج) نیازهای معنوی

از منظر اسلام، مدیر خانواده، موظف به برنامه‌ریزی جهت تربیت دینی اعضای خانواده و نیز تأمین

نیازهای علمی و فرهنگی آنان است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۰۱)؛ چراکه رعایت ارزش‌های دینی، اساسی‌ترین عامل امنیت و آرامش جامعه و خانواده است. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه در مردی، خصلتی از خصلت‌های نیک را استوار یافتم، او را به سبب داشتن آن، تحمل می‌کنم و بی‌بهرگی او را از دیگر خصلت‌های نیک، نادیده می‌گیرم؛ اما نمی‌توانم نابخردی و بی‌دینی او را نادیده بگیرم؛ زیرا جدایی از دین، جدایی از امنیت [و آرامش] است...» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۰).

قرآن کریم، مؤمنان را مکلف کرده تا با تأمین نیازهای دینی، خود و خانواده را از آتش دوزخ حفظ کنند (تحریم: ۶). امام علی علیه السلام در تبیین این آیه می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرِ وَأَدَّبُوهُمْ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰). بی‌توجهی مرد به ارزش‌های دینی، اعضای خانواده را در دنیا و آخرت، گرفتار آتش نامنی خانوادگی و انواع مشکلات ناشی از آن می‌کند. از این رو طبق این آیه، مرد باید فضای خانه و خانواده را از هرگونه آلودگی، پاک نگه دارد. این برنامه باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی ازدواج، و از نخستین لحظه تولد فرزند آغاز شود و در تمام مراحل، با برنامه‌ریزی صحیح و نهایت دقت، تعقیب گردد. به بیان دیگر، طبق این آیه، حق زن و فرزند، علاوه بر تأمین هزینه مادی زندگی و مسکن و تغذیه و سایر نیازمندی‌های معقول و موارد پیش‌گفته، شامل تغذیه معنوی روح و جان آنان با به‌کارگیری اصول تعلیم و تربیت صحیح است و ظاهر تعبیر «قوا (نگاه دارید)» نشان‌دهنده آن است که نباید زن و فرزند را به حال خود رها کرد؛ چراکه به بی‌راهه و آتش دوزخ کشیده می‌شوند و سرپرست خانواده، مسئول حفظ آنان از سقوط است. بر اساس این آیه، آماده‌سازی افراد خانواده و امر افراد خانواده برای اقامه نماز، با شکیبایی سرپرست خانواده بر اقامه نماز مرتبط است؛ به عبارتی برای عملی کردن امر به نماز، سرپرست خانواده باید صبر و استقامت را پیشه سازد و نه تنها خود اقامه نماز کند، بلکه افراد خانه را صبورانه بر این کار ترغیب کند که خودشان برای انجام آن مهیا شوند (طه: ۱۳۲)؛ چون نماز مهم‌ترین بازدارنده از فواحش و بدی‌ها و مهم‌ترین ابزار ارتباط صحیح با خداوند است. بنابراین از وظایف مهم سرپرست خانواده، احیای ارزش‌های الهی است؛ به‌ویژه ارزش‌هایی که به فرموده قرآن، از انواع ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری پیشگیری می‌کند. در رأس این ارزش‌ها نماز است که ریشه اصلی هر خیر، سعادت، برکت، رحمت و نیز عامل اصلی نهی از فحشا و منکر، همین ذکرالله است (عنکبوت: ۴۵) و برتری نماز، به‌جهت نقش مبنایی یاد خدا به‌عنوان روح عبادات است که در نماز به کمال می‌رسد (طه: ۱۴). یاد خدا مایه حیات قلوب و آرامش دل‌هاست و چیزی به پایه آن نمی‌رسد (رعد: ۲۸). در مقابل یاد خدا که مایه هر خیر است، غفلت از خدا نیز زندگی توأم با تنگی است (طه: ۱۲۴). گاه درهای زندگی به روی انسان به‌کلی بسته می‌شود. از نظر قرآن این تنگی معیشت، به‌خاطر درآمد کم انسان نیست؛ چه بسا با وجود پول و درآمد سرشار، انسان همچنان گرفتار تنگناهاست که عامل اصلی آن می‌تواند اعراض از یاد حق باشد. یاد خدا مایه آرامش جان و تقوا و



شهامت است و فراموشی آن، مایه اضطراب و ترس و نگرانی است و فرقی بین فرد یا جامعه در این زمینه نیست؛ چه بسیار جوامعی که به جهت روی گردانی از خدا، علی‌رغم رفاه و رشد اقتصادی و پیشرفت‌های صنعتی و علمی، در اضطراب و نگرانی و در تنگنای زندگی گرفتارند. بنابراین نماز مؤثرترین راه درمان این مشکلات و رهایی از آنهاست (بقره: ۴۵)؛ همچنان که پناه امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در سختی‌ها و شداید، نماز بود (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۶). نکته قابل توجه این است که تأکید بر نماز در تربیت دینی، به معنای بی‌توجهی به دیگر ارزش‌ها نیست؛ بلکه برنامه‌ریزی جهت پرورش ارزش‌های اسلامی و انسانی در خانواده ضروری است. امام علی علیه السلام به کمال فرمودند: «به خانواده‌ات فرمان بده که روزها در پی کسب خصلت‌های والای انسانی بروند و شبانگاهان، در پی رفع نیازهای خفتگان» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۳).

۲-۲. حسن معاشرت

امام صادق علیه السلام خوش‌اخلاقی را برخورد نرم، گفتار نرم، و دیدار توأم با خوش‌رویی معرفی فرمودند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲). در جامع‌السعادات، خوش‌اخلاقی «نرم‌خویی، خوش‌سخنی و گشاده‌رویی با دیگران» تعریف شده است (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۲). خوش‌اخلاق کسی است که با گشاده‌رویی، زبانی ملایم، برخوردی شاد و محبت‌آمیز با دیگران روبه‌رو می‌شود. خوش‌اخلاقی مرد در خانه آن است که همواره و در هر شرایطی، با گشاده‌رویی، بیانی ملایم و برخوردی شاد و محبت‌آمیز با افراد خانه روبه‌رو شود؛ به نحوی که این برخورد، ولو با تمرین و ممارست، به‌عنوان طبیعت ثانویه در او نهادینه گردد. این اهتمام و کثرت و تواتر روایات، در اندیشه‌گرای اسلام، به‌به نتایج مطلوب خوش‌خلقی برمی‌گردد و از زمینه‌ها و فرصت‌های مهم پرورش توانایی‌ها و استعداد‌های اعضای خانواده است. در این میدان، انسان می‌تواند در ارتباط با دیگر انسان‌ها، ضمن بروز ارزش‌های وجودی، حرفه‌ای، علمی، عقلی و مدیریتی خود، به شکوفایی استعداد‌های دیگران کمک کند. اسلام همواره مسلمانان را به حُسن خلق، نرم‌خویی و ملایمت در گفتار و رفتار فراخوانده و از درشتی و تندخویی بازداشته: *الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ* (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۷). حسن خلق، گناهان را محو می‌کند (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۵). همه پیامبران نیز انسان‌هایی مهربان و خوش‌اخلاق بودند و از ویژگی‌های بارز پیامبر اسلام نیز خُلق زیبای ایشان (قلم: ۴) و عامل موفقیت ایشان در گسترش اسلام، همین حسن خلق بوده است (آل‌عمران: ۱۵۹). پیامبر صلی الله علیه و آله هم دیگران را به خوش‌خلقی توصیه می‌فرمایند و هم خود، اسوه آن هستند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۱۶). در منظر امیرالمؤمنین علیه السلام، بدخلقی، ترسناک‌تر از هر ترس (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۸۳) و عامل تنهایی است (همان) و در مقابل، اطراف فرد خوش‌اخلاقی عامل جذب افراد، برقراری آرامش، شادابی و نشاط فرد و اطرافیان او؛ به ویژه خانواده اوست: «هیچ زندگی، گواراتر از زندگی آمیخته با

اخلاق نیک نیست» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۹). امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نیز در وصیت خود به محمد حنفیه، به این مطلب عنایت داشته است: «... با بانویت خوش صحبت و همراه خوبی باش... تا عیش تو خالص گردد» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۸). در دعای امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «خداوند رحمت کند بنده‌ای که امور بین خود و بانویش را به نیکی بگذراند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳). از ملاک‌های مهم ازدواج به فرمایش امام رضا علیه السلام نیز حسن خلق است: «... لا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۴۳). این کلام، ناظر به اهمیت و آثار خوش خلقی در آرامش و رضایت از زندگی؛ مایه استواری دوستی، و اثبات و جلب محبت و مودت است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۵). طبق آیه ﴿... وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...﴾ (روم: ۲۱)، ازدواج، واقعیت برآمده از سرشت زن و مرد و بر اساس مودت برگرفته از عشق پاک و بی‌آلایش و برخاسته از حس ایثار، گذشت، فرانگری و دیگراندیشی است. از این رو تمامی روابط زناشویی، حتی استمتاع، توالد و تناسل، متأثر از این اصل است. اما تحقق این واقعیت عاشقانه، در فضایی آرام و مطمئن و با مدیریتی پویا امکان‌پذیر است. قوامیت با محوریت توان جسمی در تأمین نیاز مالی خانواده، از جنس خدمتگزاری و حفاظت مرد از خانواده است تا نقش حمایتی و آرامش‌بخشی او احساس شود. در این حالت، قوامیت، نه رابطه رئیس و مرئوس، و دستور و استبداد، بلکه گستره چتر مودت، رحمت، حفاظت، هدایت، خدمت، حمایت و عامل آرامش روحی افراد خانواده در فراز و نشیب و گرمی و سردی حوادث روزگار است و قوامیت مرد، آبرو و زینت خانواده است. بنابراین به نظر می‌رسد این عنوان، برخاسته از روحيات و خواسته‌های فطری طرفین است و از ارتباط خاص و متقابل زن و مرد حکایت دارد و عنوانی پرمحتوا و دربردارنده تعهد و مسئولیت، و حس احترام و قدرشناسی و خدمتگزاری مرد در برابر زن است. نتیجه و خروجی این نگاه، تحمل و درک متقابل در راستای برقراری مودت و رحمت، و در نتیجه آرامش اهل خانه است. تحقق و فعلیت مودت و رحمت، مستلزم پابندی به اصولی است که از مؤلفه‌های قوام منزل در سبک زندگی اسلامی شمرده می‌شود. مرد می‌تواند با مهرورزی و رفتار نیک با همسر و سایر اعضای خانه، در خانواده، امید و آرامش و شادابی روحی به وجود آورد. توصیه قرآن کریم به مرد، رفتار نیک با همسر، حتی در صورت ناراحتی و رنجش از اوست: «با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید؛ پس اگر از آنان کراهت داشتید، چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن، خیر فراوان قرار داده است» (نساء: ۱۹). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مردان را به مهربانی توصیه کرده و از رفتار ناراحت‌کننده برحذر داشته‌اند (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۳۴)؛ به تعبیری، توصیه شده دل‌هایشان را پاک و مطمئن نگه دارند و به خانه خود آرامش و امنیت بخشند که زندگی در این صورت با صفاست (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۸).

از دیگر اصول مهم سرپرستی درست، و از مبانی تعامل اجتماعی، و از ضروریات تحکیم خانواده در اسلام، عفو و گذشت است. به‌طور طبیعی، هیچ انسانی در زندگی از اشتباه مصون نیست. تکرار



اشتباهات به ویژه در زندگی زناشویی، ناخواسته به ناهماهنگی میان اعضای خانواده می‌انجامد. از نشانه‌های اقتدار مرد، اغماض^۱ در برابر اشتباه اعضای خانواده، به ویژه همسر، و تدبیر مرد در حل مشکلات، در فضایی صمیمی و با صحبت دلسوزانه است. ثمره این برخورد، زندگی آرام و لذت بخش، آخرتی امن، عاقبت به خیری، و تأثیر ویژه در اعتلای شخصیت و اصلاح رفتار افراد خانواده است. این اخلاق کریمانه مرد، از حقوق زن (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۷۰) و در سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام مشهود است (همو، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴۱). همچنین عفو در هنگام وقوع خطا و در صورت نیاز، تذکر با کلام مناسب و خیرخواهانه، و پرهیز از سرزنش، به ویژه «سرزنش عادت» که زمینه‌ساز دشمنی و لجبختی است، از حقوق زن بر مرد است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۶۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۴).

از نظر اسلام، احترام به مسلمان یک وظیفه است و اهانت به مسلمان مجاز نیست (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۴۱۷). بنابراین به طور حتم و به طریق اولی، اهانت به اهل خانه مجاز نیست. از این رو گفتار نرم مرد و پرهیز از خشونت در خانه، نشانه تکریم، و زمینه‌ساز تألیف قلوب و آرامش روحی و باعث رفع نگرانی خانواده خواهد بود. در روایت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدزبانی و فحاشی از صفات بدترین مردان است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۴) و در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز همواره از آن حذر شده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۲۱). قرآن کریم می‌فرماید: «بزرگواری را در میان خود فراموش نکنید» (بقره: ۲۳۷). این فرمایش، تأکید بر اخلاق، تلطیف حقوق و گرامیداشت یکدیگر است؛ به خصوص تکریم زنان که گرامیداشت ایشان تنها در وصف کریمان آمده و اهانت به زنان، از اوصاف مردان پست و لئیم است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۷۲) و ملاک برتری مردان، بر اساس نوع تعامل آنان با زنان است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵). از این روایت و ظواهر ادله چنین برداشت می‌شود که از منظر اسلام زن و دختر، مورد احترام و دارای جایگاهی ویژه است؛ چه دختری در خانه پدر، یا همسری در کنار شوهر، یا مادری دلسوز و مهربان برای فرزندان. این تکریم در وهله اول به زبان است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴). مطلب مهم نهفته در طرح قوامیت، تأثیر آن بر شخصیت، حرمت نفس، خودشکوفایی، افزایش مهارت‌ها و به ویژه آرامش خانوادگی است؛ به خصوص اگر به سلامت روانی و خصوصیات مثبت و مطلوب زن و تأثیر آن بر کارکرد و رسالت زن، و کارآمدی روش‌های تربیتی و موفقیت فردی - اجتماعی فرزندان در مواجهه بهتر با مسائل و مشکلات توجه شود (یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰-۱۵۹).

۲-۳. عدالت

از ابعاد مهم عدالت و از مطالبه‌های خداوند از بندگان،^۲ عدالت در تعامل با انسان‌هاست؛ به ویژه

۱. نادیده گرفتن.

۲. «...كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...» (نساء: ۱۳۵)، «...اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...» (مانده: ۸).



مرد خانه که پیوسته در جایگاه نوعی قضاوت و شهادت است، اولی به رعایت عدالت و تقواست و این رفتار او به نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی می‌انجامد. رفتار عادلانه مدیر خانه، برای تعالی نظام تربیتی و ترسیم و تحکیم بنای عدالت در خانه، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. این قوامیت نه به معنای ریاست بی‌قیدوشرط، بلکه با حد و مرز، و در چارچوبی برآمده از تعهد و مسئولیت در قبال خانواده، به‌ویژه زن است. در اسلام، کمیت غیر از کیفیت و برابری غیر از یکنواختی است. اصل رعایت مساوات، عدالت و حقوق متفاوت، فارغ از برتری ارزشی جنسیتی، امری مسلم است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). در طرح قرآنی قوامیت مرد، شرایطی فراهم است که خانواده، مصون از لابلالی‌گری، بی‌مسئولیتی و سلطه‌جویی و ظلم، به حکمت‌ها و برکات روان‌شناختی قوامیت مرد دست یابد و از جمله ثمرات آن، نیل به آرامش و شادکامی است. چنین حاکمیتی تنها با رعایت عدالت، عملی است و تعدی از آن، آسیب‌زا و خطرناک است. به جرئت می‌توان گفت چنین تدبیری حکیمانه، نمونه‌ای ندارد:

«در خانواده‌های مسلمان پیش از آنکه زن در خدمت مرد باشد، مرد به حکم وظیفه اسلامی در خدمت زن است و وسیله آسایش او را فراهم می‌سازد. زن در خانواده‌هایی مورد اهانت، تحقیر و ظلم قرار می‌گیرد که روح اسلامی در آن نبوده یا ضعیف بوده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

۴-۲. غیرت

از جمله عوامل مهم حفظ عفاف و پاک‌دامنی زن، غیرت مرد، و حمایت و مراقبتش از زن، و توجه به نیازهای عاطفی زن است. انسان غیور، فواحش را بر اهل خود روا نمی‌داند. ثمره این غیرت، احساس لذت‌بخش و مطلوب امنیت و اعتماد است که در پناه غیرت و حمیت مرد در خانواده به وجود می‌آید. توجه مرد به عفاف خانواده، نشانه علاقه وی به حفظ حریم و سلامت اخلاقی خانواده است و در افزایش عشق و محبت خانواده به مرد نیز مؤثر است. قوامیت مرد، بستری مناسب جهت غیرت‌ورزی وی است. از حکمت‌های قوامیت مرد، آموزش و یادآوری غیرتمندی به مردان، و حیا به زنان و در نتیجه حفظ زنان از اختلاط با نامحرمان و مصونیت از عوارض آن است؛ به‌ویژه در شرایطی که بر اثر تربیت اجتماعی - خانوادگی و مانند آن، این صفت الهی که نشانه ایمان مرد (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۱) و مورد لطف و محبت خداوند است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۵) بر اثر تربیت غلط اجتماعی و حوادث ایام، همچون سایر اوصاف فطری، وارونه و محو می‌شود. البته افراط و تفریط در این صفت نیز نکوهیده و مردود است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۷-۵۳۵). غیرت، پاسبانی است که تدبیر آفرینش برای استحکام حیات خانوادگی، جلوگیری از اختلاط نسل‌ها، و پیشگیری از فساد و انحراف و آلودگی‌های جنسی، در وجود بشر نهاد و با توصیه به فروگیری چشم از نامحرم (نور: ۳۰ و ۳۱) آن را نهادینه کرد تا بشر با چشم‌پوشی از ناموس دیگران و ننگهبانی از ناموس



خود، زنان^۱ و کیان خانواده را از نگاه ناروای نامحرمان، خیانت و زنا حفظ کند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۳۱). تمکین زن و خروجش از خانه با اذن مرد، تمرین حیا و تذکر غیرتمندی به مرد است تا در حفظ و حراست ناموس در برابر نامحرمان بکوشد. البته باید توجه داشت که تعادل در بروز صفات، بسیار مهم است همان‌گونه که شجاعت افراطی به حماقت، و تفریط در شجاعت به بزدلی می‌انجامد، افراط و تفریط در غیرت و ورزشی نیز امری خطرناک و ناپسند و از تعریف غیرت و آثار و فواید آن خارج است. غیرت و ورزشی نابجا درباره زن تا جایی که به محدودسازی‌های بی‌جهت در رفت‌وآمدهایش به خانه پدر و برادر و... بینجامد، حساسیت بیش از حد، و بدبینی و تهمت زدن به زن، مشکل‌آفرین و دور از خشنودی خداوند است (متقی‌هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۸۶) و ثمره‌ای جز نفرت، تلخی زندگی، و فروپاشی خانواده نخواهد داشت. از این‌رو در روایت به شدت از آن نهی شده (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۶۰).

«قوامیت» با معاف کردن زنان از الزام به حضور در اجتماع، و ایجاد زمینه نظارت مردان بر خروج زنان از منزل، تضمین و عامل صیانت جنسی از همسر و تعالی خانواده از سوی مرد به جهت برخورداری از قدرت جسمانی و غیرت اوست. این مطلب با توجه به شواهد و آمار و پژوهش‌ها و نیز نظریات روان‌شناختی در این زمینه، به خوبی تحلیل و تجزیه می‌شود و از تجارب تلخ تأثیر حضور بدون محدودیت زنان در جامعه، بر گسترش انحرافات جنسی و افزایش آمار کودکان سرراهی و نوزادان نامشروع، در کنار آمار بالای بزهکاری جوانان حکایت دارد. همچنین بر اساس یافته‌های روان‌شناختی، خطرها و صدمات ناشی از سوءاستفاده از جنس مخالف، به بی‌اعتمادی و سوءظن و تنفر عمیق می‌انجامد (اسنایدر، ۱۳۹۷، ص ۲۰۹). به اقرار فمینیست‌ها، هیچ زنی از وحشت تجاوز جنسی مردان همکار، مصون نیست... و زنان، قربانی طبیعی آن هستند و حتی پیش از دادرسی، تحقیر و انکار می‌شوند (آبوت و والاس، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷-۲۳۴). این صدمات و لطماتی که فرد، خانواده و اجتماع را هدف گرفته، به حدی است که منبع نگرانی طبقات حاکمه گردیده و بازگشت اقتدار پدرسالارانه می‌تواند راهکاری برای آن باشد (سگالن، ۱۳۸۵، ص ۱۳؛ رودز، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰-۱۲۴). «قوامون» طرحی برآمده از روان‌شناسی جنسیتی، و حس شکارگری و شهوت مرد در برابر زنِ محبتی و خوش‌باور به وفا و صداقت مرد است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۷۸).

همچنین این قانون الهی، به شکل بی‌سابقه، با اعطای حق استقلال مالی به زن و قطع دست مرد از اموال وی، مرد را ملزم به تأمین مالی او کرده و قوانینی مطابق با قانون طبیعت و جهت سعادت و آرامش خانواده و اجتماع وضع کرده است. اسلام با تأیید مسئولیت و زحمات طاقت‌فرسای تولید نسل،

۱. دختر، مادر و همسر.

بارداری، سختی‌های ایام حیض، زایمان و عوارض ایام شیردهی، به حمایت از زن برخاست تا او را از وضعیت رقت‌باری که زنان در جوامع گرفتار آن هستند، برهاند. مرد با فراهم‌سازی اسباب آرامش و آسایش و فراغت خاطر همسر و رونق‌بخشی به کانون خانواده، در واقع غیرمستقیم به سعادت خود کمک می‌کند. این طرح، با بدیل‌هایی چون «نفقه گرفتن زنان از دولت» که نتیجه آن، سقوط و طرد و تنزل پدر در خانواده، و تضعیف احساسات مادرانه و تبدیل آن از صورت عاطفی مقدسش به کسب و کار، و در نتیجه سقوط کامل خانواده و انسانیت است، قابل مقایسه نیست. قانون خلقت برای پیوند بهتر و بیشتر زوجین و نیل به زندگی آرام، آن دو را نیازمند هم آفرید؛ زن را نقطه اتکای آسایش و آرامش روحی مرد، و مرد را نقطه اتکای مادی و مالی زن قرار داد تا با این دنیای متفاوت، آنها را به هم نزدیک و با هم متحد سازد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶-۲۰۶)؛ درحالی‌که به اذعان اغلب صاحب‌نظران، امروزه با نادیده‌انگاری کرامت، توانمندی، آرمان‌ها و نیازهای زن، و با وعده استقلال و آزادی و نفی تمایزات جنسی و به خیال ارتقای جایگاه زن و نجاتش از سلطه مردان، او را به اجتماع کشانده و با سوءاستفاده مردان و انتظارات نامعقولشان از زن و گماردن وی در اموری دون شأن، او را تباه کرده‌اند. در واقع هرگونه تلاش برای نفی تمایزات جنسیتی، به‌ویژه در ایفای نقش‌ها، بر مسئولیت‌های زنانه می‌افزاید (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳). این تفکرات فرونگرانه، با تنزل دادن منزلت و ارزش زن و مقام همسررداری و مادری، و تضعیف توانمندی‌ها و مهارت بی‌بدیل زن در انسان‌سازی و جامعه‌سازی - که هیچ مردی به پایش نمی‌رسد - و با ادعای دفاع از حقوق زن، بار مسئولیت زنان را سنگین‌تر کرده است (سگالن، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰-۲۷۷؛ آرگایل، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). خصوصاً تداخل فرزندپروری که شغل تمام‌وقت، نیازمند برنامه و طرح کارآمد، دانش، آرامش، آسایش و انگیزه مادرانه است، با دیگر شغل‌ها، از کیفیت و اهمیت آن می‌کاهد (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۵، رستگار و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱-۱۲۷)؛ به‌ویژه اگر به اهمیت جوانی و توان مادر در فرزندپروری توجه شود. امروزه زن به انگیزه کسب موفقیت، بر اثر فشار کار، دچار خستگی و فرسودگی، و مبتلا به بیماری‌های ناشی از فشارهای روحی گردیده و در محمضه‌ای افتاده که راه خروج از آن پیدا نیست! آسیب‌های جسمی و عاطفی که علتش، انتخاب الگویی است که وجود اصلی زن را انکار می‌کند، تنها بخش کوچکی از وضعیت زن ناآرام امروز است که به جهت محرومیت از الگوی تثبیت‌شده، گرفتار آن است. آسیب‌های جسمی و روحی، آلودگی‌ها، آزارها و سوءاستفاده‌های جنسی، وضعیتی است که زن کارگر صنعتی در شهرها ناگزیر به تحمل آن است و تنها نسخه برون‌رفت از آن، جست‌وجو و شناخت طبیعت زنانه و ارج نهادن به آن است (مرداک، ۱۳۹۳، ص ۴-۲؛ سگالن، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹-۱۵). طرح «قوامیت» با کاهش چشمگیر اختلاط زنان با نامحرم، کاهش بدبینی و سوءظن و تقویت اعتماد متقابل زوجین، و با انحصار امکان ارضای نیازهای عاطفی و جنسی به همسر، می‌تواند به تشدید وابستگی عاطفی و استحکام پیوند زناشویی بینجامد (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۷۸).



۲-۵. حفظ انسجام خانواده

کارکردگرایان، رهبری اجرایی- ابزاری مرد و رهبری عاطفی زن را بهترین نوع نظام، و ضامن سلامت سازمانی خانواده می‌دانند (سالاری فر، ۱۳۹۶، ص ۸۱) که در آن بهترین ویژگی نهفته زوجین، «حمایت متقابل»، تقویت می‌شود (Parsons, 1995, p.1-4؛ مینوچین، مینوچین، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱). امروزه اغلب، اشتغال زن مسئله‌ساز و علت شکاف خانوادگی است؛ زیرا شغل زوجین شکلی از تقسیم کار مشترک و اجزای مکمل یک فعالیت تولیدی نیست تا وظیفه‌ای متفاوت و مرتبط را به‌خاطر حفظ وحدت خانواده بر عهده گیرند. در نتیجه به‌جای افزایش وابستگی متقابل، تضاد نمایان می‌شود؛ خصوصاً اگر به بحران هویت مردان در کنار پاره‌ای از ادعاهای به‌ظاهر موجه زنان- که خود قربانی آن‌اند- توجه شود. این فرایند با ایجاد بحران نقش‌های جنسیتی در مرد، به تنش بین زوجین می‌انجامد. مردان، هم موقعیت شغلی زنان را جدی نمی‌گیرند و هم در شرایط مورد انتظار به‌عنوان دژ محکم زندگی، خود را آسیب‌پذیر می‌یابند (سگالن، ۱۳۸۵، ص ۲۸۷) و از مهم‌ترین و شاید دشوارترین تعارضات خانوادگی، مبارزه و کشمکش بر سر قدرت^۱ است؛ به‌ویژه اگر سلسله‌مراتب خانواده، مختل یا مبهم باشد (هی لی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳ و ۱۷۷؛ سالاری فر، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹؛ ذوالفقارپور و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲). نقش زن در نان‌آوری و بودجه خانواده، علاوه بر ایجاد فشارهای روانی برای زنان شاغل (همان)، با افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر مرد و تزلزل جایگاه مرد، به‌طور قهری مفاهیم حقوقی ناظر به سرپرستی خانواده را نیز به چالش می‌کشد؛ به‌ویژه که بخش مهمی از اقتدار مدیریتی مردان بر مبنای امتیاز نان‌آوری است (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹). طبق پژوهش‌ها و آمارها کم‌رنگ شدن نقش و جایگاه پدری، به‌جهت تنش و تنازع قدرت، موجب آسیب کودکان، ناکارآمدی خانواده و مانع وحدت و هماهنگی خانواده می‌شود (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۲۲؛ هی لی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳ و ۱۷۷؛ سالاری فر، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹؛ ذوالفقارپور و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲؛ سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۷۷؛ امانی، ۱۳۹۴، ص ۴۳-۴۱).

نکته قابل ملاحظه، ارتباط مستقیم افزایش آمار طلاق با استقلال مالی زن شاغل در مقایسه با زن خانه‌دار است. چشم‌انداز روشن و نویدبخش طلاق، باعث می‌شود زن به‌راحتی فکر متارکه و تحمل هزینه بزرگ کردن فرزندان را در سر بپروراند (سگالن، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱، میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۰۴). الگوی الهی قومیت، امکانی است برای زوجین تا با ایفای نقش حمایتی و «مکملی»، «تسلیم یکدیگر

۱. تلاش زن و شوهر برای تصاحب موضع غالب در رابطه‌ی زناشویی: Power Struggle؛ عموماً این تنازع ناشی از ناتوانی زوجین در حل تعارض به شیوه‌ی مقبول طرفین است و اغلب تداوم آن به شکست ازدواج می‌انجامد (هی لی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۵).



شوند» بی آنکه احساس کنند «تسلیم شده‌اند»؛ مضاف بر دیگر آموزه‌ها که باید از آنها در تقویت و استحکام خانواده بهره گرفت (ذوالفقارپور و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۳). با توجه به نظر روان‌شناختی در لزوم تابعیت زن از مرد جهت انسجام و وابستگی اعضای خانواده (Parsons, 1995, p45؛ میشل، ۱۳۵۴، ص ۷۳) و این حقیقت که از مؤلفه‌های مهم آرامش، حس تعلق و وابستگی بین زوجین و اعضاست (جدیری، ۱۳۹۲، ص ۵۷)، «قوامیت» منطبق بر الگوی سیستمی خانواده سالم و بهنجار مینوچین، و مطابق با حقایق و روان‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی، بهترین گام در اتحاد و وابستگی و مشارکت و همدمی زوجین در نیل به آرامش است. طرحی حکیمانه و گامی از سوی زن در پذیرش اقتدار و مدیریت مرد به احترام خدمات او در تأمین نفقه است. با این بینش، «قوامون» نه طرحی تحمیلی بر زوجین، بلکه نگاه مشتاق و واقع‌بینانه به وظایف و تعهد متقابل، و خود بستری برای ایجاد نگاه مثبت متقابل زوجین است (جدیری، ۱۳۹۳، ص ۵۷؛ آذرگون و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۳؛ برن، ۱۳۸۸، ص ۹۲). با این قدم مؤثر زن، افزون بر بهره‌مندی اعضای خانواده از اقتدار پدر و در نتیجه آرامش، از قیل آن، زن نیز مهر و محبت و احترام و تشویق و توجه بیشتری دریافت می‌کند و به همان مقدار تمایل باطنی او به اطاعت از همسر بیشتر می‌شود (ماهروزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸) و آرامش خانواده تضمین می‌گردد.

نتیجه

با وجود احکام و دستورات ویژه واجب و مستحب برای مرد در خانواده، به دست می‌آید که قوامیت مورد نظر اسلام، بدون قید و شرط و مطلق نیست، بلکه دارای چارچوب معنادار و هدفمند در راستای آرامش خانواده است. این دستورات، بر اساس وظیفه‌مداری مدیریت مرد است، نه استبداد، خودکامگی و برتری طلبی او.

نظر به نوع و ویژگی سبک تجویزی اسلام در مدیریت وظیفه‌مدار مرد در سطوح مختلف، چند نکته به دست می‌آید:

الف) قوامیت مرد در خانه، مدیریت «مسئولانه» و «تکلیف‌مدارانه» است، نه امتیاز! بار تکلیف سنگینی بر دوش مرد است که می‌توان آن را از معانی لغوی قوامیت به دست آورد و با استفاده از قرآن و روایات، اصول و مؤلفه‌های مدیریت تجویزی در اسلام را ترسیم کرد.

ب) قوامیت مرد در خانه، به‌ویژه برای آرامش و آسایش است که در پرتو مدیریت «خدمت‌گزارانه» محقق می‌گردد و تحقق آن، مایه امنیت، سلامت روحی، صمیمیت ارتباطات، و اعتلای افراد و از مؤلفه‌های آرامش خانواده است. بنابراین می‌توان گفت بیشتر چالش‌های خانواده، ناشی از بی‌توجهی یا کم‌توجهی مرد به سبک مدیریتی مقرر در شرع و در نتیجه اجرا نکردن صحیح قوامیت اوست. از این‌رو اجرای وظایف به سبک تجویزی اسلام، مایه سکونت و آرامش، و عامل پایداری و تحکیم خانواده خواهد بود.



چنین قوامیتی، زیبا و مطلوب است و جایی برای طرح شبهه تضييع حقوق اعضاي خانواده و به‌ويژه زن باقي نمي‌ماند و شبهه سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود و نه تنها تبعيض جنسيتي نيست، بلکه تفاوت نقش‌ها و مسئوليت‌ها بيانگر تفاوت در کارايي دو جنس، و ناشي از ساختار متفاوت مرد و زن است که ظرايف روان‌شناختي و انسان‌شناختي دين اسلام، آن را در تبين روابط زوجين در نظر گرفته و به يقين اگر کارايي سبب تفاوت باشد، ديگر نمي‌توان تفاوت‌هاي ذاتي را دليل تبعيض يا برتري جنسي دانست و جايي براي فخرفروشي مرد به زن نيست، بلکه در اصل، قواميت مردان، نوعي خدمتگزاري به زن و تکریم اوست.



منابع

- قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).
- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ۱۴۱۴، شریف رضی، محمد بن حسین، قم، هجرت.
۱. آبوت، پاملا، کلر والاس، ۱۳۸۸، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران، نی.
 ۲. آذرگون و همکاران، حسن، ۱۳۹۷، «بررسی اثربخشی بسته آموزشی ایمونز بر شادی و امید به زندگی زوجین»، خانواده‌پژوهی، سال ۱۴، ش ۵۳، ص ۲۳-۳۷.
 ۳. آرگایل، مایکل، ۱۳۸۳، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری و همکاران، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۵. _____، ۱۳۷۸، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان.
 ۶. _____، ۱۳۷۶، آمالی، تهران، کتابچی.
 ۷. _____، ۱۳۶۲، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
 ۸. ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵، دعائم الإسلام، قم، آل‌البیت علیهم السلام.
 ۹. اتکینسون، ریثال ال. و همکاران، ۱۳۸۵، زمینه روان‌شناسی هلیگارد، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، تهران، رشد.
 ۱۰. اسنایدر، چارلز ریک، ۱۳۹۷، روان‌شناسی امید، ترجمه فرشاد بهاری، تهران، دانژه.
 ۱۱. امانی، رزیتا، ۱۳۹۴، «مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۰، ش ۳۲، ص ۴۱-۵۲.
 ۱۲. برن، روندا، ۱۳۸۸، راز، ترجمه محمدصادق سبط‌الشیخ، تهران، نیک‌فرجام.
 ۱۳. جرجانی، علی بن محمد، ۱۳۷۰، کتاب التعریفات، تهران، ناصرخسرو.
 ۱۴. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
 ۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، قم، آل‌البیت علیهم السلام.
 ۱۶. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳، قرب الإسناد، قم: آل‌البیت علیهم السلام.
 ۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر.
 ۱۸. بروجردی، آقا حسین، ۱۳۸۶، جامع‌احادیث‌الشیعه، تهران، فرهنگ سبز.
 ۱۹. بلاغی، محمد جواد، ۱۴۲۰، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
 ۲۰. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج‌الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
 ۲۱. پیرهادی، علی، مریم رستگار، ۱۳۹۹، اعتقادات و سبک زندگی خانوادگی، مشکین‌شهر، پیروان ولایت.
 ۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلام.
 ۲۳. جدیری، جعفر، ۱۳۹۳، هیجان و رضامندی زناشویی، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
 ۲۴. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۱، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه ج ۱ و ۱۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۲۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، قم، اسراء.



۲۶. دوپیس، موریس، هانزی پیرون، ۱۳۶۸، *تفاوت‌های فردی «روانشناسی اختلافی»*، ترجمه محمدحسین سروری، تهران، علمی.
۲۷. ذوالفقارپور، محبوبه و همکاران، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زنانشویی زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ج ۳، ش ۱۱.
۲۸. رستگار، مریم و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی تزامم تحصیل علم و رسالت مادری در کمال انسانی زن با رویکرد اخلاق کاربردی»، *اخلاق و حیانی*، سال ۷، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۵۴.
۲۹. رودز، استون ای، ۱۳۹۲، *تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم*، ترجمه معصومه محمدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. زارعی توپخانه، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن»، *روانشناسی ودین*، سال ۶، ش ۲۳، ص ۵۳-۷۰.
۳۱. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۸۹، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۳۲. حلوانی، حسین، ۱۴۰۸، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام.
۳۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳، *قرب الإسناد*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۳۴. خمینی، ۱۳۷۸، *رساله توضیح المسائل*، قم: نجات.
۳۵. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۳۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۳۷. زبیدی، سیدمرتضی حسینی، ۱۴۱۴، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
۳۸. ساروخانی، باقر، ۱۳۹۲، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، سروش.
۳۹. سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۹، *خشونت خانگی علیه زنان*، قم، هاجر.
۴۰. _____، ۱۳۹۵، *آشنایی با روان‌شناسی*، قم، هاجر.
۴۱. _____، ۱۳۹۶، *زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۲. سالاروند، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش واسطه‌ای قدردانی معیار مرجع در رابطه بین قدردانی هنجار مرجع با رضایت از زندگی»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، سال ۱، ش ۳، ص ۷۱-۸۴.
۴۳. سائیس، محمدعلی، ۱۴۲۳، *تفسیر آیات الأحکام*، بیروت، المكتبة العصرية.
۴۴. ستیر، ویرجینیا، ۱۳۸۸، *آدم‌سازی*، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، رشد.
۴۵. سگالن، مارتین، ۱۳۸۵، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، مرکز.
۴۶. سلیگمن، مارتین ای. پی، ۱۳۹۲، *شکوفایی روان‌شناسی مثبت‌گرا*، ترجمه امیر کامکار و تسکینه هژبریان، تهران، روان.
۴۷. سواری، کریم، فاطمه فرزادی، ۱۳۹۷، «نقش قدردانی در عملکرد تحصیلی و رضایت از زندگی با میانجی‌گری حمایت اجتماعی والدین، اساتید و همکلاسی‌ها»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۲۳-۴۲.



۴۸. شمس اسفندآباد، حسن، ۱۳۹۲، *روان‌شناسی تفاوت‌های فردی*، تهران، سمت.
۴۹. شهید ثانی، زین‌الدین، ۱۴۰۹، *منبیه‌المریده*، تصحیح رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۵۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۱. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲، *مکارم‌الاخلاق*، قم، شریف رضی.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن*، تهران، ناصرخسرو.
۵۳. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، تهران، مرتضوی.
۵۴. علاسوند، فریبا، ۱۳۸۸، *نقش‌های جنسیتی*، در: *زیبایی‌نژاد*، محمدرضا، هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ص ۲۲۱-۲۷۷.
۵۵. فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
۵۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، *کتاب‌العین*، قم، هجرت.
۵۷. قائمی، علی، ۱۳۶۷، *حیات خانواده در اسلام*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
۵۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۱، *تفسیر نور*، تهران، درس‌هایی از قرآن.
۵۹. کراچکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰، *کنزالفوائد*، قم، دارالذخائر.
۶۰. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۶۱. گری، جان، ۱۳۸۹، *رموز موفقیت در زندگی زناشویی؛ چگونه به همسر خود عشق بورزیم*، ترجمه مینا امیری، تهران، گلپا.
۶۲. گرنشتین، تتودور، ۱۳۸۹، *روش‌های خانواده‌پژوهی*، ترجمه مجتبی صدراقتی فرد، تهران، ارسباران.
۶۳. لیثی واسطی، علی، ۱۳۷۶، *عبود الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
۶۴. ماهرورزاده، طاهره، ۱۳۸۷، «نقش مدیریتی زن در خانواده»، *طهورا*، سال ۱، ش ۲، ص ۹۷-۱۲۳.
۶۵. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۱، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، الرسالة.
۶۶. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۷، *روضه‌المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم، کوشانپور.
۶۷. مرداک، مورین، ۱۳۹۳، *ثرفای زن بودن*، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
۶۸. مرکز فرهنگ و معارف، ۱۳۸۶، *دائرة‌المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
۶۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *اخلاق در قرآن*، ج ۲ و ۳، قم، مؤسسه امام خمینی.
۷۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.
۷۲. _____، ۱۳۷۹، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
۷۳. مظاهری، حسین، ۱۳۷۴، *اخلاق در خانه*، قم، اخلاق.
۷۴. مکی، گری، استیون میبل، ۱۳۸۷، *مدیریت عصبانیت برای خانواده‌ها*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، ویرایش.
۷۵. میشل، آندره، ۱۳۵۴، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، دانشگاه تهران.



۷۶. مینوچین، سالوادور، ۱۳۸۳، *خانواده و خانواده‌درمانی*، ترجمه باقر ثنائی، تهران، امیرکبیر.
۷۷. مؤید صفاری، زینب و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه میزان ق‌دردانی و شادکامی با سلامت روان زنان خانواده‌های نظامی»، *مجله علمی ابن‌سینا*، دوره ۱۶، ش ۱ و ۲، ص ۶۲-۶۷.
۷۸. نراقی، ملا محمد مهدی، [بی‌تا]، *جامع‌السعادات*، بیروت، اعلمی.
۷۹. نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد، ۱۴۲۱، *اعراب القرآن*، بیروت، منشورات محمد علی بیضون.
۸۰. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، آل‌البتیة.
۸۱. والش، فروما، ۱۳۹۱، *تقویت تاب‌آوری خانواده*، ترجمه محسن دهقانی و همکاران، تهران، دانژه.
۸۲. هی‌لی، جی، ۱۳۷۵، *روان‌درمانی خانواده*، ترجمه باقر ثنائی، تهران، امیرکبیر.
۸۳. یزدی، سیده‌منور، فاطمه حسینی حسین‌آباد، ۱۳۸۷، «رابطه ساختار قدرت با هوش هیجانی زنان»، *مطالعات جوانان*، ش ۱۲، ص ۱۵۷-۱۷۰.

84. Buric, O. & A. Zecevic (1967), "*Family Authority, Marital Satisfaction, and the Social Network in Yugoslavia*", *Journal of Marriage and the Family* 29, p.325-336.
85. Peterson, C (2006), *A primer in positive psychology*. New York: Oxford University Press.
86. Parsons, T (1995), *Family Socialization and Interaction Process*, New York, The free Press.